

شاخصه‌های علمی در ترجمه متون تاریخی

مریم کمالی*

چکیده

توجه روزافزون به علم تاریخ و انتشار کتب غنی و سودمند به زبان‌های مختلف در این زمینه، مترجمان متون تاریخی را ملزم می‌سازد تا با رعایت چهارچوب‌های علمی به این امر مهم بپردازند. بی‌تردید انجام این کار بدون آگاهی از شاخصه‌های علمی این فن ممکن نیست. در این مقاله ضمن معرفی ویژگی‌های متون علمی و ادبی، سعی شده است با طرح یک مدل، ترجمه علمی و ترجمه ادبی با هم مقایسه و شاخصه‌های هر یک برشمرده شود. در ادامه، با تشریح ویژگی‌های ساختاری و محتوایی متون تاریخی، روشن می‌شود که در ترجمه این گونه متن‌ها باید هم به شاخصه‌های علمی و هم به شاخصه‌های ادبی توجه شود.

کلیدواژه‌ها: متون تاریخی، شاخصه‌های ادبی، شاخصه‌های علمی.

مقدمه

ترجمه متون تاریخی در ایران به قدمت و دیرینگی نگارش متون تاریخی است. حضور ایران در چهارراه جهانی از یک سو و تبادلات فکری و فرهنگی از سوی دیگر، جایگاه فن ترجمه را به‌عنوان مهم‌ترین مکانیسم ارتباطی ارتقا بخشیده است. در چند دهه اخیر، با طرح نظریه‌های علمی در این زمینه، ترجمه بیش از پیش صورت دانش به خود گرفته، مسئله‌ای که در محافل علمی و آکادمیک ایران چندان جدی به آن توجه نشده است. در این مقاله سعی شده است با توجه به شاخصه‌های متون علمی و ادبی، ویژگی‌های متون تاریخی بررسی و سپس در این باره بحث شود که یک ترجمه تاریخی برای علمی بودن باید چه شاخصه‌هایی داشته باشد.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه تهران m20.kamali@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۹۰/۶/۱۰

سؤالی که در این مقاله به آن پاسخ داده خواهد شد این است:

متون تاریخی به لحاظ ساختار و محتوا جزو کدام دسته از متون قرار می‌گیرند و با توجه به آن ترجمه متون تاریخی چه شاخصه‌هایی باید داشته باشد تا بتوان آن را ترجمه علمی نامید؟ فرضیه این تحقیق بر این امر استوار است که متون تاریخی به لحاظ ساختار و محتوا جزو متون علمی و ادبی قرار می‌گیرند و از این رو در ترجمه آن‌ها باید ویژگی‌های این دو نوع متن را دنبال کرد.

با وجود آنکه بحث ژانرهای مختلف، یکی از شاخه‌های مهم رشته زبان‌شناسی است، در زمینه رشته تاریخ و به خصوص شاخصه‌های علمی این رشته تاکنون تحقیق درخور توجهی صورت نگرفته است و همین مسئله بر ضرورت انجام این قبیل تحقیقات می‌افزاید.

در انجام تحقیق، (Hazard Adams) از مدل پیشنهادی هازارد آدامز - محقق و زبان‌شناس بزرگ قرن بیستم - استفاده شده است. او در سال ۱۹۶۷، مدلی برای تفکیک متون علمی و ادبی از یکدیگر معرفی کرد. آدامز اساس این تفکیک را بحث عینیت و ذهنیت می‌داند که به ترتیب باعث ایجاد متون علمی و ادبی می‌شود. عینیت در لغت به معنی واقعیت است که در مقابل ذهنیت یعنی امری تصویری و غیرقابل ملموس قرار می‌گیرد. آدامز بر مبنای این تقسیم‌بندی، ویژگی‌های هر یک از این دو ژانر را برمی‌شمارد؛ که در جای خود در این مقاله شرح داده خواهد شد.

متون علمی و متون ادبی

ارتباط، مهم‌ترین دغدغه بشر در طول تاریخ بوده است و زبان به عنوان مهم‌ترین وسیله ارتباطی انسان‌ها همیشه در کانون توجه قرار دارد. افزایش حجم ارتباطات مکانیسمی از یک سو و گسترش نگاه علمی به ترجمه از سوی دیگر، مترجمان را بر آن می‌دارد تا با نگاه دقیق‌تر به امر ترجمه بپردازند و ترجمه را نه به عنوان فن که بیشتر در قالب علم ببینند.

یکی از مباحث مهم این رشته، تقسیم‌بندی انواع متون و توجه به تفاوت‌های موجود در آن‌ها است. آندره لفیور (Lefevre, A) زبان‌شناس و پژوهشگر علم ترجمه، در این باره گفته است:

مطالعات ترجمه با مسائل و مشکلات برخاسته از متن و ویژگی‌های مربوط به انواع متون سروکار دارد. (Lefevre, 1977:23; also 1981:52-59; also → 1985 & 1992)

به عقیده او، برای ارتقای بخشیدن به حرفه ترجمه باید از علوم مربوط به این رشته -

از جمله زبان‌شناسی، ادبیات، مردم‌شناسی و تاریخ - بهره داشت. (Lefevere, 1992: 32-41; 1993) also با توجه به این نکته لازم است که پیش از هر چیز به بررسی متون تاریخی در قالب متون علمی و ادبی بپردازیم.

در سال ۱۹۶۷، آدامز - زبان‌شناس برجسته - مدل درخور توجهی را برای تفکیک متون علمی و ادبی از یکدیگر ارائه کرد (Adams, 1967: 75-83). اساس این تقسیم‌بندی، بحث عینیت و ذهنیت است که حاصل آنها به ترتیب متون علمی و ادبی است. عینیت و ذهنیت، یکی از مباحث مهم فلسفه تاریخ است که محققان و اندیشمندان علم تاریخ درباره آنها بحث و آنها را بررسی کرده‌اند. تا جایی که موضوع بر سر ماهیت متن تاریخی از لحاظ ملموس و عینی یا ایده‌آل و ذهنی بودن است با این مبحث مهم پیوند می‌خورد.

مدل ارائه شده توسط هازارد آدامز

شاخصه‌های متون ادبی	شاخصه‌های متون علمی
زبان ابهام و اشاره	زبان روشن و دقیق
ابهام	صراحت و دقت
دلیل عاطفی	دلیل منطقی
جست‌وجوی نکته ایده‌آل	جست‌وجوی نکته واقعی
معنای واقعی	معنای توأم با ارجاع
کاربرد زیاد آرایه‌های ادبی	کم‌بودن عبارات ادبی
محدودیت واژه‌های تخصصی	فراوانی واژه‌های علمی
استفاده‌ی فراوان از استعاره و تشبیه	استفاده از زبان تعلیل بحث و توضیح علمی

از مدل ارائه‌شده آدامز چنین برمی‌آید که زبان متون علمی ساده است تا به کمک آن مطالب پیچیده و تخصصی بیان شود؛ به عبارت بهتر، علم با به‌کاربردن زبان ساده، این امکان را به خواننده می‌دهد که ذهن خود را تنها در اختیار محتوا قرار دهد و به زبان متن تنها به‌عنوان ابزار انتقال پیام نگاه کند. ولی در متون ادبی، زبان فقط وسیله انتقال اطلاعات نیست، بلکه در جهان ادبیات، شکل زبان به‌اندازه محتوای برآمده در متن ارزش دارد؛ به بیان دیگر، در متون ادبی، زبان و محتوا دو بالی هستند که نویسنده در اختیار می‌گیرد تا خواننده را با خود به جهان دیگر پرواز دهد.

الیاتس (Ilyats) محقق سرشناس حوزه زبان - در توصیف متون علمی نوشته است:

در آثار علمی، موضوع مورد بحث مهم‌تر از ابزار زبان‌شناسانه در بیان حقایق، تجارب و فرضیه‌ها است. خواننده این نوع متون، درصدد لذت‌بردن از متن نیست، بلکه در پی آگاهی از اطلاعات مندرج در متن است. در این گونه متن‌ها، فقط بیان صریح و حقیقت‌یاب متن ارزش دارد. ترجمه این گونه متن‌ها بسیار ساده است، چراکه نویسنده از زبان غیرشخصی، ساده و روشن استفاده می‌کند. از سوی دیگر، عدم صراحت و پیچیدگی زبان، از عناصر اساسی و سازنده متون ادبی به حساب می‌آید. (Ilyats, 1989:143)

بلنکن برگ (Blankenburg, D. w.) - متخصص زبان‌شناسی - تفاوت متون علمی و ادبی را این گونه تشریح می‌کند:

تفاوت متون علمی و ادبی، همچون تفاوت ابعاد افقی و عمودی جهان با یکدیگر است. در جهان علم، از جهانی ملموس و آشنای هر روز سخن به میان می‌آید. حرکت در این جهان، حرکت به سوی جهان عینی و واقعی است؛ درحالی که در جهان ادبیات، آدمی همراه با خواننده در عمق هستی یا ماورای طبیعت سیر می‌کند. (Blankenburg, 1982:75-83)

به نظر می‌رسد بلنکن برگ، نویسنده متون علمی را جهانگردی می‌داند که از نقطه پرسش به سمت پاسخ حرکت می‌کند. نقش زبان در تمامی طول راه برای او همان تابلوهای راهنما است که او را دقیق و بی‌ابهام به سمت هدف سوق می‌دهد. ولی در جهان ادبیات، نویسنده خواننده را از جهان محسوس و ملموس تا ماورای هستی به حرکت درمی‌آورد؛ و نویسنده ادبی بیش از آنکه در جهان واقعیت سیر کند، به دریافت خود از واقعیات مشغول است.

حال این سؤال مطرح می‌شود که متون تاریخی جزو کدام دسته از متون قرار می‌گیرند. متون تاریخی به لحاظ محتوا که بیانگر سیر وقایع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زمانه مورخ است، ناگزیر از استفاده از زبان علمی برای بیان دقیق و بی‌پرده وقایع است. نمونه این گونه مطالب، اصطلاحات و مباحث دیوانی است. کم نیستند مورخان که به واسطه علم دیوانی و دبیری، سال‌ها در مسندهای دیوانی به کار مشغول بوده و به خاطر همین دانش حرمت و آبرو یافته‌اند.

از سوی دیگر، یکی از صفات برجسته مورخان، آشنایی با صنایع ادبی و فنون فصاحت و بلاغت بوده است؛ به ویژه در ایران که به مقتضای شرایط خاص جغرافیایی و سیاسی، مورخان همیشه ناگزیر بودند حقایق تاریخی را در پشت مدح دلنشین و توأم با استعاره و تشبیه بیان کنند.

زبان ادبی که در قالب داستان‌ها و حکایات تاریخی، شعر، تسجیع و تمثیل خود را نشان می‌دهد، تا پیش از عصر معاصر، جایگاه رفیع‌تری داشته است؛ اما امروزه به نظر می‌رسد که زبان دقیق و عینیت‌گرای علم، سهم وسیع‌تری در متون تاریخی به دست آورده است.

البته نباید از نظر دور داشت که با آغاز عصر جدید، تاریخ به عنوان علم، جایگاه ویژه‌ای یافته و از این رو به عناصر زبان علمی از جمله صراحت و دقت زبان و نیز به خدمت گرفتن بیشتر زبان برای بیان وقایع و نه هنرنمایی مورخ بیشتر توجه شده و به بیان دقیق تر توجه به زبان عینیت بر لزوم آگاهی از متون علمی را افزایش داده است.

شاخصه‌های علمی و ادبی در ترجمه متون تاریخی

ترجمه‌های علمی، بیشتر با کارهای تطبیقی آغاز می‌شود. برای این منظور، مترجم با برابرنه‌اندن دو اثر، تفاوت‌های زبانی آنها را بررسی می‌کند. در این گونه تحقیقات، بررسی دستوری و لغتی زبان در اولویت قرار دارد.

ناید (Nida) - زبان‌شناس برجسته - اولین کسی است که در اثر خود، به سوی علم ترجمه، ترجمه را به طور رسمی به منزله یک علم معرفی می‌کند. او سعی دارد واژه‌ها و ساختار متن را با روشی نظام‌مند و زبان‌شناسانه بررسی کند. (Nida, 1964:33-35) → Nida and jabber, 1969; popovic, 1970. malblanc. 1963

از نظر نایدا، ترجمه متون علمی کار چندان مشکلی نیست، چراکه برای یافتن معادل مناسب برای عبارات و جملات داده شده، نیازی به جست‌وجو در فرهنگ آن کشور نیست. این تعریف را بعدها محققان دیگر، از جمله نیومارک (Newmark, 1981, also → 1993; Miko, 1970) بسط دادند (که شایسته است در مقاله‌ای جداگانه بررسی شود).

ترجمه علمی، مترجم را ملزم می‌سازد که همیشه دانش خود را درباره تحقیقات جدید ترجمه تازه سازد؛ و در این صورت، ترجمه دیگر کار ساده‌ای نخواهد بود. ولی متأسفانه مترجمان متون تاریخی در ایران، به این مسئله توجهی ندارند؛ نبودن معادل برای بسیاری از واژه‌های علمی و زبان سخت و نافهم بسیاری از این آثار، گواه این مطلب است.

محققان، همزمان با ارائه تعریف ترجمه علمی، سعی کرده‌اند تعریف نسبتاً منسجمی از ترجمه متون ادبی ارائه دهند. از نظر پرفسور لوی (Levy) - زبان‌شناس برجسته - «ترجمه متون ادبی در عین توجه به معنای عمیق خفته در متن، تلاش دارد جنبه‌های خلاقانه و زیباشناسانه متن اصلی را نیز به خواننده منتقل کند.» (Levy, 1967:97-99) در ترجمه ادبی باید در عین وفاداری به متن، آرایه‌های ادبی و نیز وزن و موسیقی زبان را به خواننده منتقل کرد.

حال، با توجه به تعریفی که از متون تاریخی ارائه شد، می‌توان دریافت که در متون تاریخی، هم از ویژگی‌های متون علمی و هم ادبی بهره گرفته می‌شود؛ بنابراین، مترجمان

درعین آگاهی از ظرافت‌های زبانی باید دانش خود را دربارهٔ مباحث نظری ترجمه نیز افزایش دهند.

با گام‌نهادن روزافزون تاریخ به عرصه علم، مترجمان متون تاریخی ملزم‌اند از زبان گویا و تخصصی‌تری استفاده کنند. متأسفانه بسیاری از مترجمان ما به پویایی زبان فارسی بی‌توجه هستند و ترجیح می‌دهند برای بسیاری از واژه‌های جدید معادلی قرار ندهند؛ و همین مسئله ممکن است از ارزش کار آنها بکاهد.

البته نباید از نظر دور داشت که گام‌نهادن در عرصه ترجمه و نگاه به آن به‌عنوان یک علم نباید مترجمان را به ظرافت‌های زبان ادبی بی‌توجه سازد. زبان تاریخ همچون دیگر علوم انسانی نمی‌تواند از زبان ادبیات - که برخاسته از فرهنگ کشور ما است - خالی باشد. هنر مترجم علم تاریخ آن است که ضمن انتقال مفاهیم علم تاریخ، زبان خود را یکسره از بیان ادبی خالی نسازد.

نتیجه‌گیری

در ترجمه متون تاریخی باید ضمن توجه به تفاوت‌های موجود در ساختار زبانی و محتوایی دو زبان، به تمایزهای موجود میان متون علمی و ادبی نیز توجه داشت. دانش تاریخ هر روز بیش از پیش در عرصه علمی شدن گام برمی‌دارد و همین امر می‌تواند نشانگر اهمیت شاخصه‌های علمی از جمله استفاده از زبان روشن و منطقی و خالی از ابهام و کنایه، باشد. مترجم باید ضمن به‌روزکردن علم خود و آگاهی از نظریه‌های زبانی، از پویایی زبان خود بهره بگیرد و برای واژه‌های زبان اصلی معادل مناسبی خلق کند؛ از سوی دیگر باید تلاش کند ضمن فرار از ورطهٔ داستان‌پردازی و بی‌اعتنایی به واقعیات تاریخی، از زبان خود به‌نحوی پویا و خلاقانه استفاده کند.

می‌توان گفت ترجمه متون تاریخی، راه‌رفتن بر روی ریسمان باریکی است که لغزیدن به هر سو، امکان فروافتادن از بلندای وجوه علمی را در پی دارد.

منابع

- Adams, Hazard (1967). *The Interests of Criticism*. New York: Harcourt Brace and World Inc.
- Blankenburg, D.W (1982). "A Dialectical Conception of Anthropological Proportions", in *Phenomenology and Psychiatry*, London: De Konning, Academic Press.

- Ilyats, A. (1989). *Theories of Translation: Theoretical Issues and Practical Implications*. Mosul: University of Mosul.
- James, C. (1980). *Contrastive Analysis*. London: Longman.
- Lefevere, A. (1977). *Translating Literature: The German Tradition from Luther to Rosenzweig*. Assen: Van Gorcum.
- Lefevere, A. (1981). "Beyond the Process: Literary translation in literature and literary theory", in M. Gaddis Rose (ed.), *Translation Spectrum: Essays in Theory and Practice*, Albany, NY: State University of New York Press.
- Lefevere, A. (1985). Why waste our time on rewrites? The trouble with interpretation and the role of rewriting in an alternative paradigm, in T. Hermans.
- Lefevere, A. (1992). *Translating, Rewriting and the manipulation of Literary Fame*. London and New York: Routledge.
- Lefevere, A. (1992). *Translation, History Culture: A Source book*. London and New York: Routledge.
- Lefevere, A. (1993). *Translating Literature: Practice and Theory in a Comparative Literature Context*. New York: The Modern Language Association of America.
- Levy, J. (1967). *Translation as a Decision Process*. Frankfurt: Athenäum.
- Malblanc, A. (1963). *Stylistique Comparee du Francais et de l'allemand*. Paris: Didar.
- Miko, F. (1970). "La theorie de l'expression et la traduction" in J.S. Holmes.
- Mounin, G. (1963). *Les problemes theoriques de la traduction*. Paris: Gallimard.
- Newmark, P. (1993). *The Linguistic and Communicative Stages in Translation Theory*. Abingdon and New York: Routledge.
- Newmark, P. (1981). *Approaches to Translation*. Oxford and New York: Pergman.
- Nida, E.A. (1964a). *Toward a Science of Translating*. Leiden: E.J. Brill.
- Nida, E.A. and C.R. Jaber (1969). *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: E.J. Brill.
- Nida (1964b). "Principles of Correspondence", in L. Venuti.
- Popovic, A. (1970). *The Concept "Shift of expression" in translation analysis*. J.S. Holmes.
- Popovic, A. (1976). *Dictionary for the Analysis of Literary Translation*. Edmonton: Department of Comparative Literature, University of Alberta.

پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی